



قدم به قدم، همراه دانشجو...

WWW.GhadamYar.Com

جامع ترین و به روزترین پرتال دانشجویی کشور (پرتال دانش)
با ارائه خدمات رایگان، تحصیلی، آموزشی، رفاهی، شغلی و...
برای دانشجویان

- (۱) راهنمای ارتقاء تحصیلی. (کاردانی به کارشناسی، کارشناسی به ارشد و ارشد به دکتری)
- (۲) ارائه سوالات کنکور مقاطع مختلف سالهای گذشته، همراه پاسخ، به صورت رایگان
- (۳) معرفی روش های مقاله و پایان نامه نویسی و ارائه پکیج های آموزشی مربوطه
- (۴) معرفی منابع و کتب مرتبط با کنکورهای تحصیلی (کاردانی تا دکتری)
- (۵) معرفی آموزشگاه ها و مراکز مشاوره تحصیلی معتبر
- (۶) ارائه جزوات و منابع رایگان مرتبط با رشته های تحصیلی
- (۷) راهنمای آزمون های حقوقی به همراه دفترچه سوالات سالهای گذشته (رایگان)
- (۸) راهنمای آزمون های نظام مهندسی به همراه دفترچه سوالات سالهای گذشته (رایگان)
- (۹) راهنمای آزمون های کارشناسان رسمی دادگستری به همراه سوالات سالهای گذشته (رایگان)
- (۱۰) آخرین اخبار دانشجویی، در همه مقاطع، از خبرگزاری های پربازدید
- (۱۱) معرفی مراکز ورزشی، تفریحی و فروشگاه های دارای تخفیف دانشجویی
- (۱۲) معرفی همایش ها، کنفرانس ها و نمایشگاه های ویژه دانشجویی
- (۱۳) ارائه اطلاعات مربوط به بورسیه و تحصیل در خارج و معرفی شرکت های معتبر مربوطه
- (۱۴) معرفی مسائل و قوانین مربوط به سربازی، معافیت تحصیلی و امریه
- (۱۵) ارائه خدمات خاص ویژه دانشجویان خارجی
- (۱۶) معرفی انواع بیمه های دانشجویی دارای تخفیف
- (۱۷) صفحه ویژه نقل و انتقالات دانشجویی
- (۱۸) صفحه ویژه ارائه شغل های پاره وقت، اخبار استخدامی
- (۱۹) معرفی خوابگاه های دانشجویی معتبر
- (۲۰) دانلود رایگان نرم افزار و اپلیکیشن های تخصصی و...
- (۲۱) ارائه راهکارهای کارآفرینی، استارت آپ و...
- (۲۲) معرفی مراکز تایپ، ترجمه، پرینت، صحافی و ... به صورت آنلاین
- (۲۳) راهنمای خرید آنلاین ارزی و معرفی شرکت های مطرح
- (۲۴)



دکتر حسین مهیمن

دلیل در امور حقوقی و دلیل در امور جزائی

جریان دلیل در امور حقوقی و جزائی بعلمت اختلاف تشکیلات و هدف آئین دادرسی مدنی و جزائی یکسان نیست زیرا در یک دعوی حقوقی اثبات حقیقت دعوا بعهده طرفین دعوی استقاضی حقوقی رأساً تفحص نمیکند که آیا حق و طلبی وجود دارد یا نه و یا بر فرض وجود حق و طلبی بواسطه وقوع اتفاقی ساقط شده است یا خیر. بدون شک قاضی میتواند دستور تحقیقات محلی و یا ارجاع امر بکارشناس را بدهد مشروط بر اینکه اصحاب دعوی در اینباب اقلاً بطور ضمنی حین تصدیق یا انکار دعوی توافق کرده باشند.

طبق ماده 426 قانون آئین دادرسی مدنی در مواردیکه مطابق قانون بگواهی گواهان میتوان استناد نمود هر گاه یکطرف یا طرفین باطلاع اهل محل متمسک شوند دادگاه تحقیق محلی مینماید. و در مواردیکه رجوع بکارشناس لازم باشد طبق ماده (444) از قانون مزبور دادگاه میتواند بنظر خود و یا بدرخواست اصحاب دعوی و یا یکی از آنها قرار ارجاع امر را بکارشناس بدهد.

اما در امور جزائیبالعکس قاضی جزائی از دلیل استقبال میکند و رأساً شروع به تحقیقات مینماید و در اینصورت نظر قاضی متوجه کشف حقیقت است نه تأمین منافع خصوصی کسی.

این فرق اساسی بین جریان دلیل در آئین دادرسی مدنی و جزائی نتایج ذیل را در بر دارد:

1- دیگر مثل ازمئه قدیمه بعضی دلایل در امور جزائی قابل قبول نیست مثل قسم که ذیلاً شرح خواهیم داد.

2- در هر حال دلیل باید تهیه و تدارک شود منتها در امور حقوقی یک وضع مصنوعی تری را اکتساب میکند و در امور جزائی سادهتر و حقیقتیتر است.

3- دلیل در امور جزائی دارای اهمیت فائقه است.

قسم در ازمئه قدیمه و عصر حاضر

قسم همه جانبه و همه وقت یکی از مؤثرترین عقیده و ایمان قضائی بوده است پایه و اساس آن هم مذهب و ایمان بخدای لایزال است. قسم قضائی در حقوق جزائی معاصر بدو شکل عرض اندام میکند:

یکی قسم هیئت منصفه که قضاة موقتاند و هر یک از افراد هیئت منصفه بشرح زیر سوگند یاد میکنند: (خدا را شاهد و ناظر دانسته بدون حب و بغض و ترس و بدون طرفداری از جامعه و متهم با کمال بیطرفی و متانت که شایسته یک مرد آزاد و با تقوی است اتهامات و دلایل دفاع را دقیقانه رسیدگی کرده طبق الهامات وجدان و اطمینان قلبی خود تصمیم بگیرم).

در قوانین ایران قسم هیئت منصفه ملاحظه نشد.

قسم دومی قسم شهود معمولی بعنوان دلیل و قسم کارشناس است.

اما اصحاب دعوی که در محاکمه دخالت دارند هرگز صدق بیانات خود را با قسم تأیید نمیکند معذک در تاریخ تأسیسات جزائی سه نوع قسم اصحاب دعوی موجود بوده:

1- اتهام زننده برای تأیید و تأکید اسنادات ناقص خود بمنظور وادار کردن قاضی به محکومیت جزائی متهم قسم میخورد و

اگر موضوع دعوی منافع مادی بوده متهم تسلیم می‌شد و در هر دو حال این رویه مخالف اصول مردود و غیر قابل قبول است. معدلتک در نزد ملل و اقوام بدوی قسم وسیله اثبات اتهام بوده و بکار بردن چنین روشی در آن زمان بربریت مبین بزرگترین اعتماد بقول انسان و ترس مذهبی از قسم است و یا اینکه بعلت نقص پیشرفت تمدن اغلب اراده دلیل طبق قواعد و نظامات بسیار مشکل بوده است.

در نزد یونانیها و ژرمنها نیز قسم اتهام زننده بدون اینکه هرگز قدرت و تأثیر قطعی تحصیل کرده باشد بنظر می‌آید بعنوان فرعی و مقدماتی بین اسباب و دلایل اطمینان قلبی قاضی رخنه کرده است. بهر حال در قوانین معاصر بهیچوجه اثر و نمونه از قسم اتهام زننده نیست و در هیچ مملکتی اصول و قواعد آئین دادرسی هر چه باشد قبول نمیکنند اتهام زننده اسنادات خود را با قسم تأیید و تقویت کند.

2- نوع دوم قسم قسمی است که متهم می‌خورد و آن یک نوع دفاعی بوده که متهم بوسیله قسم از خود می‌کرده و اگر قسم می‌خورد که چنین کاری را نکرده از اتهام خلاصی مییافت. مدتها این نوع قسم در قوانین قدیم برقرار بوده است. منشاء این عادت و رسموم مخصوصا در قوانین ژرمانی یافت میشود و در قرون وسطی دارای اهمیت زیاد بوده است.

در زمان بربریت قسمی معمول بود که اشخاص خارج در دادگاه بقید قسم بیگناهی متهم را تصدیق میکردند و مبنای حکم قاضی قرار میگرفت آنها شاهد نبودند بلکه اقرار متهم را تأیید و تصدیق میکردند. این اشخاص در بدو امر اقوام متهم بودند بعدها همسایه و دوستان متهم و اشخاص دیگری هم میتوانستند چنین عملی را انجام دهند. بعدها در زمان قدرت و حاکمیت مطلق پاپ کلیسا با تغییراتی این نوع قسم را قبول کرد و شخص خارجی در موقع قسم بوجدان شخصی استناد میکرد بعلاوه اجرای این نوع قسم محدود بموقعی شد که دلایل اتهام مشکوک و شبهه‌دار و خفیف بود بنابر این دیگر قسم دسته جمعی اقوام و دوستان نبود متهم به تنهایی میباید قسم بخورد و بهمین شکل قسم تا آخر قرن هفدهم در ممالک آلمانی نژاد برقرار بود بعدها این نوع قسم تابع و ضمیمه قسم دیگری شد که بموجب آن باشخاصی که دارای آباء و اجداد شرافتمندی بودند و اتهام مهم اساسی هم نداشتند برای اینکه تحت اتهام دائم نباشند اجازه میدادند با خوردن قسم تبرئه کامل حاصل کنند در هر حال این نوع قسم هم از قوانین اصول دادرسی جزائی آلمان در قرن نوزدهم زایل و از بین رفته آثار و علائم این نوع قسم در قوانین قدیم انگلیس نیز در مورد محکومینهای جزای نقدی یافت میشود و امروز بکلی این عادت کهنه از بین رفته است.

3- نوع سوم قسم قسمی بود که بعنوان تضمین صدق و حقیقت اظهارات متهم در استنطاق باو تحمیل میشد. در هر حال با انقلاب کبیر فرانسه آخرین علائم و آثار استعمال قسم چه از طرف اتهام زننده و چه از طرف متهم و کلیه اصحاب دعوی بعنوان دلیل و یا تضمین دلیل از بین رفته است.

مقایسه بین قواعد دلیل در امور حقوقی و جزائی

در بالا گفتیم جریان دلیل در امور حقوقی و جزائی بلحاظ اختلافاتی که بین تشکیلات و هدف آئین دادرسی مدنی و جزائی موجود است. این اختلاف تشکیلات بین آئین دادرسی مدنی و جزائی و هدف این دو آئین دادرسی قبلا در همین مجله به تفصیل بیان شده است. یکسان نیست اما اختلافات از نظر قواعد دلیل بین دعوی حقوقی و دعوی جزائی از طبیعت اشیاء سرچشمه میگردد زیرا اختلافات ناشی از نفس تحقیقاتی است که مستلزم این دو وضعیت است.

مقصد در دعوی حقوقی تحصیل دلیل مشروعیت و قانونی بودن ادعا اعم از طلب یا حقوق ارتفاقی یا حق مالکیت است ولی مقصد در دعوی جزائی تحصیل او بدست آوردن حقیقت اتهام است یعنی مجرمیت متهم در مورد ارتکاب عمل غیر قانونی که باو نسبت داده شده. چه قانون مدنی اثبات مسائل حقوقی را تحت قواعد و اصولی در آورده و طفین را مجبور کرده است در موقع ادعا و اعتراض مثلا فلان دلیل را قبلا تهیه کنند بطریقی که حقوق آنها را تضمین کرده و حتی از مشکلات اجتناب نمایند بنابر این در واقع بمنظور جلوگیری از منازعه و جدال است که حقوق مدنی موجبات تنظیم دلایل قانونی را فراهم میکند ولی در دعوی جزائی وضعیت بکلی طور دیگر است:

طرفین نمیتوانند احتیاطات لازم را قبلا برای تحصیل دلیل در یک عمل غیر قانونی بنمایند بنابر این طرفین را در تهیه دلیل بهر طریق و با هر ترتیبات خاصی که قاضی را قانع کند باید آزاد گذاشت و همین آزادی کامل اصحاب دعوی در تهیه

دلیل با اصول دلیل وجدانی^۱ یا اطمینان خاطر قاضی که شرح آن سابقا به تفصیل داده شده است توافق و انطباق کامل دارد.

پایه و اساس قواعد و اصول دلیل وجدانی کشف حقیقت در نتیجه تأثیر مجموع تحقیقات و رسیدگیها در عقل و وجدان قاضی و سنجش آزادانه دلائل و تحصیل آزادانه اطمینان و ایمان بدلائل ابرازیه است.

امروز نزد تمام ملل متمدن قواعد و اصول دلیل وجدانی بنام آخرین مرحله تکامل بشری قایم مقام اصول دلیل قانونی حقوق قدیم شده است.

در حقوق قدیم قانون قبلا وسایل محققه اثبات اتهام و درجهء دلیل ضروری^۲ یا کافی را برای صدور حکم مجازات تعیین میکرد و متهم طبق همان قانون و اصول مجبور بود در جلسه اول محاکمه بگوید مقصر است یا نه و اگر مقصر نیست باید دلایل رد اتهام را اقامه کند.

در این سیستم اقرار متهم در جلسه اول محاکمه شاه دلیل محسوب بود.

بهر حال این روش تا آخر قرن هیجدهم دارای قدرت قانونی بود.

طریقه تهیه دلیل در امور حقوقی

در امور حقوقی تئوری دلائل از یکطرف محدود است بحقوق مدنی و از طرف دیگر باصول دادرسی مدنی زیرا حقوق مدنی مجموعهء قواعدی است که روابط حقوقی^۳ بین افراد را از لحاظ فامیل و دارائی(حق مالکیت-حق نقل و انتقال و وصیت و غیره) و چگونگی حق استفاده افراد از حقوق خود و اجرای آنها را تعیین میکند و قوانین آئین دادرسی مدنی مجموعهء قواعدی است که هر وقت بین افراد اختلاف و دعوائی بروز کرد طرفین ناگزیر از تبعیت آن قواعداند و در واقع هنگام بروز اختلاف بین افراد و طرح دعوی در محاکم صالح است که طرفین دلائل خود را بر له یا علیه یکدیگر بکار ببرند و بنابر این قوانین آئین دادرسی مدنی قواعد و ترتیباتی را که بموجب آنها دلائل باید ارائه و تسلیم شوند تعیین میکنند. اما غالبا دلیل در امور حقوقی وقتی تهیه و تحصیل میشود که طرفین روابط حقوقی عادی دارند و بهیچوجه بین آنها کوچکترین اختلاف موجود نیست و منظور از تدارک آنها محققا برای اجتناب از بروز هر نوع اختلاف است ولی هر وضع و مقامی که دلیل در یک دعوی حقوقی داشته باشد همیشه علت و سبب خاصی برای ارائه آن نیست و در واقع وقتیکه ضرورت ارائه آناقتضا کرد در اینصورت دلیل از امور اتفاقی دعوی محسوب است و همیشه در مورد امور اتفاقی است که قوانین آئین دادرسی مدنی از دلیل بحث و گفتگو مینماید.

طریقه تهیه دلیل در امور جزائی

بر خلاف آنچه دلیل در امور حقوقی را طرفین در موقع داشتن روابط حقوقی عادی تهیه و تحصیل میکنند در امور جزائی طرفین قبلا در مقام تدارک دلیل بر نمیآیند و بهیچوجه عقب دلیل نمیروند مگر برای اینکه بخواهند دعوائی اقامه کنند و یا اینکه متهمی را اقناع کرده اتهام او را ثابت کنند بنا بر این دلیل فقط در جریان تعقیب تهیه میشود و قواعد دلیل کاملا مرتبط و وابسته بقوانین آئین دادرسی جزائی است بعلاوه دلیل در امور جزائی مثل یک دعوی اتفاقی در امور حقوقی متجلی و ظاهر نمیشود.

دلیل همیشه در امور جزائی باید تهیه شود و رسیدگی و تحقیقات که همانا کشف جرم و تهیه و جمعآوری دلائل است پایه و اساس آئین دادرسی جزائی است چه در مرحله تحقیق اولی و چه در مرحله حاکمه.

اهمیت فائده و متمایزیه دلیل در آئین دادرسی جزائی متضمن خصوصیات بشرح زیر است.

۱- دادستان باید تمام شرایط قابل قبولی دعوی عمومی را ثابت کند خصوصا باید ثابت کند جرم ارتكابی هنوز مشمول مرور زمان نشده و حق تعقیب او هنوز محفوظ است.

2- دادستان باید وجود جرم و ارتکاب آن از ناحیه متهم و بالاخره هر نوع تقصیر و مجرمیت متهم را ثابت کند.

3- در امور حقوقی مدعی از اقامه هر نوع دلیل در موقع اقرار مدعی علیه معاف است در صورتیکه اقرار متهم در امور جزائی به تنهایی و با لذات دلیل مجرمیت محسوب نیست و همچنین در امور حقوقی در صورت وجود بعضی قرائن و امارات قانونی ابعث اعتباریکه دارند مدعی از اقامه هر نوع دلیل معاف است و حال آنکه در امور جزائی امارهء قانونی که بموجب آن بتوان مدعی را باتکاء آن از اقامهء دلیل و اثبات جرم معاف نمود وجود ندارد.

امارات قانونی از مواد 1321 بعد در قوانین مدنی ایران ذکر شده و ما بموقع خود اماره و اقسام مختلف آنرا مشروحا بیان خواهیم نمود.

امور اتفاقی

بطور اختصار در بالا تذکر داده شد دلیل از امور اتفاقی دعوی محسوب است و همیشه در مورد امور اتفاقی است که قوانین دادرسی مدنی از دلیل بحث و گفتگو مینمایند اینک تفصیل قضیه:

امور اتفاقی ترجمهء کلمهء (stnedicni) است که در قوانین آئین دادرسی مدنی ما نیز بطریقی که ذیلا شرح داده میشود از آن بحث شده است:

تمام وقایع و اتفاقاتی که در ضمن محاکمه رخ داده جریان عادی دعوی را تغییر میدهد امور اتفاقی میگویند مثلا وقتیکه مدعی علیه بصلاحت ذاتی یا نسبی دادگاه او یا باهلیت قانونی مدعی از لحاظ صغیر و مجنون بودن و یا عدم احراز سمت او از لحاظ وکالت یا ولایت و قیمومت ایراد میکند و یا اینکه مدعی است دعوی مشمول مرور زمان شده است بدیهی است تا تحقق مراتب فوق و رسیدگی بانها محاکمه از جریان طبیعی و عادی خود خارج میشود و گاهی هم بلحاظ صحت ایرادات اساسا دعوی مطروحه از میان میرود. امور اتفاقی دعوی تنها شامل ایرادات نیست اسقاط دعوی در نتیجه انقضاء مهلت قانونی و همچنین دعوی تقابل و دخول ثالث و غیره نیز از امور اتفاقی دعوی محسوباند.

دعوی امور اتفاقی گاهی جنبهء موقت دارد و باید قبل از رسیدگی بماهیت دعوی حل شود مثل توقی مال متنازع فیه در نزد ثالث تا صدور حکم قطعی و گاهی جنبهء قطعی دارد در اینصورت باید با ماهیت دعوی توأما رسیدگی شود مثل دعوی عدم النفع segammod-steretni و یا دعوی اجرای موقت بطور کلی دعوی اتفاقی اگر موقعیت داشته باشد باید قبلا رسیدگی شوند بنا بر این قضاة در اینباب دارای اختیارات مطلقاند که آیا بدعوی اتفاقی علیحده و یا ضمن رسیدگی بماهیت دعوی رسیدگی نمایند.

اما امور اتفاقی در قوانین ما

امور اتفاقی دعوی از فصل هشتم مادهء 197 تا فصل نهم مادهء 314 قوانین آئین دادرسی مدنی را تشکیل میدهند و متضمن ایرادات و ورود ثالث و دعوی تقابل و غیره و غیره میباشد.

چون پارهء از مواد قوانین آئین دادرسی مدنی در زمان حکومت اسبق اصلاح او یا لغو شده و فعلا از لحاظ رعایت حقوق مکتسبه موقهء قابل اجرا و معتبراند و اخیرا هم از طرف مجلس شوری و سنا اختیارات کمیسیونهای مربوطه در رسیدگی باصلاحات و تغییرات قوانین مزبور بمدت چهار ماه تمدید شده است و چون اصلاحات انجام شده شامل مواد مربوط بامور اتفاقی نیز میباشد و معلوم نیست کمیسیونها در اینباب چه نظریهء اتخاذ خواهند نمود بهمین جهت فلا نسبت باختیارات دادگاهها در رسیدگی بامور اتفاقی بطور قطع نمیتوان اظهار نظر نمود ولی طبق همان قوانین اصلاح شده اختیارات دادگاهها در رسیدگی بامور اتفاقی محدود بود بموارد مذکور در مواد 202 و 203 و 207 و 232 و 271 قوانین آئین دادرسی مدنی و اختیارات مذکور خلاصهء مشعر است بر صدور پاره قرارها از قبیل قرار عدم صلاحیت ورد دعوی قبل از رسیدگی بماهیت دعوی و قبول او یا عدم قبول درخواست تأمین خواسته (مدعا به) از طرف دادگاه باستثناء مواردیکه قانونا مجبور بقبول استممکن است همان اختیارات محاکم که در موقع اصلاح هم مورد نظر واقع شده از طرف کمیسیونها نیز تأیید شوند.

